

داکتر یارمحمد حیدر زاده

اولویت غنی احمدزی کوچی: اسکان کوچیان است

غنی احمدزی دست نشاندۀ جان کیری، ارگ را با اطرافیان اش یک باند مافیایی به آشیانه شیطانی و مدیریت توطیه علیه اقوام تبدیل کرده است. احمدزی شووینست بهره‌چۀ باورداشته باشد اما به عدالت اجتماعی، برابری اقوام و تبارها، دموکراسی، تقسیم مساویانه ثروت وارزشهای انسان ساز اقوام شریف افغانستان باورندارد. غنی از دامن فرهنگ غزّذی نشینی و صحراگردی پاکستان چکیده ودر جامعه قبیله جوان شده ودرکانونهای کاپیتالیسم وحشی امریکا شخصیتش شکل گرفته است، چنین مخلوطی نمیتواندانسانی فکرنکند

ایدیولوژی بیمارگونه غنی نیمه قلب اش باقبیله کوچیان آنسوی مرز دیورند برای اسکان آنها به وادی های شاداب و بهره برداری از چراگاه های مراتع آبخیزدار کشور ما است. البته باید یاد آور شویم که اکنون شرایط اقلیمی در سطح جهان تغییر یافته است و البته در کشور آفتابی و زراعتی ما این تغییرها بیشتر و قابل لمس است بنابراین ادارات مسوول تلاش کند تا رویکردها در بهره برداری از عرصه های طبیعی و مراتع آبخیزدار تغییر یابد.

بنابراین حضور بیش از حد چاروا در چراگاه مراتع آبخیزدار با بیان اینکه سالانه ۱۵ تن خاک در هر هکتار از اثر لگدمالی چرای بی رویه رمه چران ها فرسایش پیدا می کند. همچنین لگدمال شدن می تواند موجب آسیب دیدن گیاهان و کاهش رقابت پذیری و ظرفیت‌های باروری آنها در یک جامعه گیاهی شود.از دیدگاه دانش محیط زیست یکی از مخرب ترین آثار چرای چاروا لگدمال شدن، فشرده شدن خاک است که به ریشه گیاهان آسیب می رساند. این مساله تمرکز ریشه‌ها در سطح خاک را به همراه داشته و از اینرو میتواند گیاه را از دسترسی به منابع کافی برای رشد باز دارد. لازم به ذکر است که فعالیت های مخروب انبوه رمه ها در طبیعت مراتع باعث بین رفتن پوشش گیاهی در سطح مراتع آبخیز دار است که تعادل بین اجزای زنده و غیر زنده آنرا برهم زده و موجب تغییرات در محیط آبخیزدار و در نتیجه خشک شدن دریاها و بروز سیلاب های مخرب می شود.

از دید دانش محیط زیست اقدام عملی افزایش نظارت بر چرای چاروا و مقابله با هرگونه تخلف رمه چران ها علاوه در حفظ و حراست از منابع طبیعی می گردد و باعث پایدار حوزه آبریز در جریان آب های سطحی در آن منطقه به سمت نقطه یا محل مشخص دره بشکل دریاچه جریان می یابد.

البته کسانیکه ازآمدن گله کوچیهای آفت آور و ویروس جنگلات و نباتات از آن سوی مرز دیورند به خاطر نابودی چراگاه های سرسبزافغانستان پشتیبانی میکنند شهروند اصیل بومی افغانستان نیستند و اگرباشند دلسوزی به مادر وطن و حراست از طبیعت کشور خود می داشته باشند.
شهود اولویت استراتژی غنی در اسکان کوچیان پاکستان از قرار ذیل است:

۱. شهود برخی دست های پنهان حاکمان قدرت طلب مانند گلاب منگل برای اسکان کوچیان در دهانه غوری نزدیک به چراگاه مراتع شاداب آبخیزدار تاله و برفک و اروز در جغرافیا بغلان امروز هم داشته باشیم.

۲. شهود راز پنهان غنی مغز متفکر کوچی ها تقرر انجنینر کمال نظامی بحیث والی پنجشیر شوهر خواهر جنرال طاقت است که از اینجا انجمن به نام انسجام کوچی ها در ولایت پنجشیر وعده خدمات عامه برایشان خبر داد که بعد کمال نظامی از مواجهه انتقادات شدید مردم سلحشور پنجشیر مورد خبر قرار گرفت و سپس توسط همین دفتر والی دوباره اشتباه قلمی خوانده شد.

۳. شهود فرمان رییس جهور به اداره اراضی تخار دستور داده شده تا زمین های دولتی برای کوچی ها شهرک ساخت شود و هم تخصیص زمین های دولتی به حیث علفچرهای بزرگ برای کوچیان که از پاکستان وارد افغانستان خواهند شد.

هموطنان آگاه قلم بدست و حراست از محیط زیست کشور اجتماعی منسوب به کوچیان بیگانه در افغانستان واقعیت قومی را در طی ۱۷ سال کسب کرده و روان است. کوچیان رمه چران پاکستان که کاروان شان را در فصل بهار به ولایات مختلف افغانستان انتقال می دهند مطابق قوانین پذیرفته شده بین المللی اصلا حق ورود به افغانستان را ندارند.

بایدخاطر نشان کردبسیاری ازچراگاههای کوهی ودشتی افغانستان بعلت چرای بی رویه کوچیهازبی مسوولیتی دولت نابکار طرفدار قبیله کوچیان پاکستان موجب تخریب بیش از حد با بحران عمیق محیط زیستی سرزمین زیبای آفتابی ما مواجه شده است و

لطفاً بخوانید

از طرح حمله بالای مزار و قندهار مطلع شوید
بر اساس اطلاعات رسیده از یک منبع از دفتر ریاست امنیت ملی در کابل، خانه ها، راه های رفت و آمد، مراکز، دفاتر و خطوط ارتباطی همه طرفداران عطا محمد نور و عبدالرازق در سرتاسر افغانستان بخصوص در کابل، بلخ و قندهار تحت نظارت کامل ریاست امنیت ملی، شورای امنیت و نیروهای وزارت دفاع قرار گرفته است. همچنین به دستور رییس امنیت ملی، افراد غیر مسلح طرفدار رژیم از ولایت های خوست، لوگر و پکتیا به کابل جاسازی و مسلح شده اند.

تعداد زیادی از انتحاری های مربوط به طالبان از ولایت های خوست، زابل، هلمند و غزنی به کابل آورده شده اند و به دستور محمد معصوم استانکزی در خانه های امن ریاست امنیت ملی در ۱۳ مکان کلیدی جاسازی شده اند. بیشتر این انتحاری ها درمرکز کابل نگهداری میشوند وقرار است که ۲۰ تن از آنان به ولایت بلخ جهت انجام عملیات های دهشت افگانه زیر پوشش قوتهای تحت فرمان محمد داوود ارسال گردند.

قرار است که ارگ با راه انداختن یک جنگ سرنوشت ساز علیه والی بلخ تحت فرمان محمد داوود، گلیم حزب جمعیت و دیگر طرفداران عطا محمد نور و جنبش ملی را از بلخ جمع کند. موازی با حمله بالای قوت های تحت فرمان عطا محمد نور و طرفداران عبدالرشید دوستم در ولایت بلخ و سپس دیگر ولایت های شمال کشور که بر اساس طرح مذکور زلمی ویسا والی قندهار با همکاری نیروهای تحت فرمان محمد شفیق گل آقا شیرزی وزیر سرحدات و قبایل و سربازان ارتش ملی جهت خلع سلاح کردن جنرال عبدالرازق به پایگاه فرمانده پولیس قندهار حمله کنند.

رژیم به نیروهای هوایی وفادار به محمد اشرف غنی در همه ولایت ها دستور آماده باش داده تا در روز حمله به ولایات بلخ و قندهار مراکز، پایگاه ها، دفاتر، سنگرها و نیروهای طرفدار عطا محمد نور، عبدالرشید دوستم و عبدالرازق را با تمام توان بمباردمان و نابود کنند. بنابر هدایت محمد اشرف غنی قرار است که در روز حمله بالای بلخ و قندهار یک قطعه خاص نظامی جهت نظارت بر رفتار و سلوک داکتر عبدالله و حامیان وی در داخل ارگ وارد شوند تا در آن روز مانع تماس رییس اجرایی رژیم با حامیان مسلح نظامی خودش گردند.

اشرف غنی باورمند شده است که اختلافات بین عطا محمد نور و داکتر عبدالله جنگ زرگری جهت خالی کردن زیرپایهای رژیم لرزانک وی است. همچنین محمدمعصوم استانکزی مانند محمد حنیف اتمر هرگز باورمند نیستند که داکترعبدالله و عطا محمد نوربا هم دشمنی و خصومت شخصی داشته باشند و اگر رژیم بالای والی بلخ حمله کند داکتر عبدالله با تمام قوت و توان به حمایت از عطا محمد نور به پاخواهد خاست از همین رو ارگ میخواهد که پیش از حمله و در روز حمله زمینه هرگونه تماس بین رییس اجرایی و والی بلخ سد شود.

ریاست شورای امنیت ملی به وزیر جدیدالقرر مخابرات دستور *****

و ادامه روند آمدن کوچی ها از او سوی مرز دیورند کشور ما را با مشکلات بسیار خطرناک از بابت پایمال شدن گیاهان و شکستاندن نباتات توسط شتروانان و رمه چرانان کوچی مانند آمدن برف کوچ ها روان اب، باران ها های موسومی سرازیر شدن سیل های مخربه و کم آبی در مراتع آبخیز، طوفان شن های روان در دشت ها و پیامد آن الودگی بصری محیط زیست در شهرها در بعضی از محلات و خشکسالی پی در پی در سرتاسر افغانستان روبرو کرده است.

در اثر چرای بی رویه تنوع حیات وحشی، گیاهان سبز نبات کوهی در مراتع آبخیزدار دچار مشکلات بیشتر می شود و با انقاض روبرو خواهد شد. برای کمک این مطلب قوانین برای حمایت از حیات پوشش گیاهی و نباتات باید از طرف اداره محیط زیست تصویب به اجرا در اید تا گیاهان، نباتات و جانوران بتوانند دوباره زندگی خود را بازیابند واز همه مهم جریان دریاها خروشان ما جریان دایمی باشند.

هیچوقت اشخاص عاقل، دانا و مهن دوست دفاع و پشتیبانی از آمدن کوچیان قاچاق اسحله، مواد انفجاریه، آفت طبیعی و آسیبهای طبیعی طبیعت زیبا ما بوسیله گله ها پایمال و لگدمال کردن سرسبزی و نابودی حاصلات مردم ما از بین برند بوته ها جنگلی و بخصوص پسته زارهای افغانستان عزیز نمیکند. به این دیل که آمدن انبوه شتران رمه و رمه چرانان موجب بدبختی ها بشمول آلودگی محیط زیست و سبب ضرربه ارزشهای صحت شهروندان، همچنین وجود انواع فسادزیست می باشند./(شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان)

داده که در روز حمله بالای نیروهای تحت فرمان عطامحمد نور و عبدالرازق حمله ارتباطات مخابرویی وبی سیمی را درسرتاسرکشور مختل کند.
سفارت امریکا و انگلیس که از طرح حمله ارگ بالای ولایت های بلخ و قندهار جهت حذف والی بلخ و فرمانده قندهار مطلع هستند تا حال در برابر این توطیه ارگ خاموشی اختیار کرده اند و حتی جان بس سفیرامریکا اختلافات بین ارگ و بلخ را یک مساله داخلی افغانستان قلمداد کرده و هرگونه راه حل آن را مربوط به خود افغانان شمرده است.

امریکا هرگز نمی خواهد مانع کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان شود.از دیدامریکا حضور دهشت افکنان در افغانستان به نفع حضور نیروهای آن کشوردرافغانستان است. بزرگترین ضربه راشهروندان روسیه و کشورهای آسیایی مرکزی از قاچاق مواد مخدر نصیب شده اند. امریکا باورمند است که اگر در طی ده سال آینده قاچاق مواد مخدر از طریق افغانستان به کشورهای آسیای میانه و روسیه ادامه یابد هم نفوس این کشورهاکم خواهد شد و هم کمراقتصاد ونیروی کاری آن دولت شکسته خواهد شد. حزب گلبدین بزرگترین تولید کننده و قاچاق کننده مواد مخدر در سطح افغانستان و حتی جهان است و امریکا با آنکه در ظاهر با گلبدین خصومت و دشمنی دارد اما در خفادرهمه عرصه های نظامی، سیاسی، مالی و استخباراتی از حزب گلبدین در طی ۳۹ سال گذشته حمایت کرده است.

ریاست امنیت ملی با همکاری همه جانبه شورای امنیت ملی و با حمایت بی دریغ مالی از طرف قاچاقبران مواد مخدر، تاجران نفت و گاز از بازارهای سیاه و بازرگانان گازهای زیرزمینی و با پشتیبانی کامل نظامی افرادی مانند گلبدین حکمتیار، جمعه خان همدرد، اکبر بای، اکبر ایشجی، محمد آصف مهند تحت نام نیروهای طرفدار مهندس محمد داوود والی انتصابی ارگ نشینان کابل به ولایت بلخ حمله کنند و بنابر محاسبات وزیر دفاع رژیم ع و غ در ظرف شش ساعت به حیات عطا محمد نور خاتمه بدهند و همه طرفدران او را یا به قتل برسانند یا دستگیر و زندانی نمایند.

قرار است حمله بالای بلخ از سمت سمنگان و دره صوف و داخل بلخ صورت گیرد. ارگ در برنامه خود طرح حذف عطا محمد نور و سپس طرح کشتن مهندس محمد داوود رارویدست دارد تا زمینه والی شدن محمد آصف مهمند را در ولایت بلخ فراهم سازد تعدادی از خویشاوندان والی بلخ که مربوط به قبیله کوچی هایی به نام دولت خیل هم می شوند با محمد آصف مهمند همدست شده اند و از برکنار ساختن عطا محمد نور از مقام ولایت بلخ پشتیبانی میکنند.

بیشتر سران قبیله دولت خیل در قاچاق مواد مخدر و واردات نفت و گاز از بازارهای اقتصاد سیاه در شمال کشور دست دارند. یکی از دشمنی های مشهود قاچاقبران مواد مخدر، تاجران نفت و گاز از بازارهای سیاه و بازرگانان بازارهای اقتصاد زیرزمینی علیه عطا محمد نور این است که والی بلخ مانع کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در آن ولایت شده است و همچنین موصوف جلوی رشد بازار سیاه و عاید بازارهای زیرزمینی را گرفته است و از همین رو است که ارگ و بخصوص سفارت آمریکا در کابل در برابر والی بلخ خشمگین هستند که چرا مانع تجارت حامیان شان شده است.

محمد آصف مهمند که در قاچاق مشروبات الکلی از آسیایی میانه و روسیه بود پس از رانده شدن از بلخ در پی سرنگون کردن والی آن ولایت قرار گرفته است. محمد اشرف غنی احمدزی مقام ولایت را در اصل به محمد آصف مهمند وعده داده ولی اکنون برای شش ماه خواهان انتصاب مهندس محمد داوود به صفت والی پوشالی آن ولایت است. رژیم می خواهد به نقل قول از رییس رژیم ع و غ از انجنیر محمد داوود به صفت آب حماله جهت رفع قیصیت سیاسی نظامی بلخ استفاده ابزاری کند اما هنوز محمد داوود به این حقیقت تلخ تن درنداده و نمی خواهد آبرومندانه از مقام انتصابی صرف نظر کند و مانع جنگ خونین در ولایت بلخ، قندهار و حتی کابل گردد.

همه تاجران و بازرگانان عضو و طرفدارگلبدین که درتجارت موادمخدر، نفت وگاز از بازار های سیاه ومصرف دادوستد در اقتصاد زیرزمینی میباشند خواهان تسلط کامل بر شاهراه های شمال و بندر حیرتان هستند آنان حاکمیت والی بلخ را در آن ولایت بزرگترین مانع منافع و رشد اقتصادی خویش در شمال کشور می شمارند همین تاجران و بازرگانان همچنین کسانی هستند که با همکاری امریکا و شرکایش در تعیین رئیس رژیم آینده مانند گذشته نقش بارزی ایفا می کنند.

اگرنیروهای حامی ارگ بتوانند ولایتهای بلخ وقندهاررا به صورت کلی زیرسلطه وسیطره خوددرآوردندپس ازآن ارگ با (ص۷)



عنوان کتاب: ابن سینا . فرزند فرزانه بلخ
مؤلف: انجنیر سیداکرم سینایی
کس ندانست که من کجارفتم
خود ندانم که من کجا بودم
روزی چند در جهان بودم
بر سر خاک باد پیمودم
آخراً امر چون بر آمد کار
رفتم و تخم کشته بذرودم
از اشعار فارسی ابن سینای بلخی
مجموعهٔ زیبا وپراندیشه و انتباه ازدست یک دوست پارینه ام شفیق جان کارمند، که مدتی یک کلاس تدریس زبان فارسی دری رادرشهرکنزاس برای نوآموزان انگلیسی زبان به پیش می بردیم، به تازگی به دستم رسید، که یقیناً مطالعین فرزانهٔ امید به شخصیت علمی، طبی، فلسفی وفرهنگی (فرزند فرزانهٔ بلخ) علامه ابوعلی سینا آشناخواهند بود.
همین لحظه درقسمتی از معلومات وتعریفات گستردهٔ انترنت راجع به این شخصیت دانشمندجهان طبابت وبسی علوم مثبتة دیگر، جملاتی رابه لسان انگلیسی چنین میخوانم:
«ابن سینا بزرگترین طبیب دانشمند، متفکرفلسفی واندیشمند همه امور اجتماعی به شمارمی آید که درعصر طلایی اسلام وپدیده های علمی آن نه تنها بحیث یک طبیب معالج ومجرب، بلکه بحیث یک نویسندهٔ چیره دست موضوعات علمی، یک فیلسوف ویک منجم بی بدیل شناخته میشد. همانطور که دانشمندبزرگ (هیوپوکرات) پدرطبابت کهن زمان محسوب میگردد، ابو علی سینا بحیث پدرطب عصری ونوینباد شهرت دارد، ودرجهان علوم متداوله مشعل درخشان میباشد. بیوگرافی او دراكثر دکشنری های طبی وانسیکلوپیدا های معتبر باتفصیل ذکر یافته است. کتاب معروف (قانون) اوارزشمند ترین ومعتبرترین اثری است که درجهان طبابت قرون وسطی به نشر رسیده است.»
پوهاندداکترعبدالغفور همدل رئیس فاکولتهٔ طب بلخ واستاد کرسی اخلاق طبابت وطب عدلی، درتقریظ ارزشمندخودچنین نوشته اند:
«کتاب ابن سینا فرزند فرزانهٔ بلخ، همانطوریکه مولف درمقدمهٔ آن اشاره نموده است، کنایست که یکی ازشخصیتهای پیشتاز خردودانش سرزمین بلخ باستان را مجدداً به معرفی گرفته، عرصه های چندبُعدی جریان زندگی پر حوادث آنرا باتحقیق، تتبع ونگارش تقدیم فرهنگیان وجویندگان آن مینماید.
این کتاب حاوی یکصدویک صفحه میباشد، بانگارش زندگینامهٔ ابن سینا معهٔ تصاویر(حتی عکس اسکلیت) جمجمهٔ آن متفکر بزرگ ونابغهٔ زمان، مطالب جالبی چون: ذکاوت فکری، خوی و اندیشه، آثارعلمی (فلسفی، حکمت، طب، نجوم …) آنآرادیبی دری، شیوهٔ معالجات مریضان، تربیهٔ شاگردان، روابطش با دانشمندان آن عصر، سفرپرمخاطره وغم انگیزش را ازخوارزم به صوب گرگان ویک عمرسرگردانی و روابطش بامردان سیاسی، بحث کرده، پهنای وسیع عظمت دانش موصوف را یکبار دیگر به دانش دوستان هموطن مطرح بحث قرارمیدهد، تاباشد که عطش فرهنگیان وعلاقمندان آن بزرگمردتاریخ را رفع و به نیسازایشان معلومات لازمه ارائه بدارد.
مؤلف دانشمنداین مجموعه، محترم انجنیرسیداکرم سینایی با تلاش ومساعی فراوان کوشیده است باتدارک مطالب زرین و ارزشمندی کتاب راآمادهٔ طبع ساخته و تقدیم جویندگان نماید.
« انجنیر سینایی درپیشگفتار کتاب چنین نگاشته است:
«اشاعهٔ فرهنگ، ادبیات، میراثهای ارزشمند کهن ومعرفی شخصیت های پیشتاز خرد ودانش سرزمین بلخ، از هزاران سال به اینطرف درآسمان صاف اندیشه های زلال به طیران در آورده شده وهراندازهٔ که از گنجینهٔ سرشارآن بهره جویم، منابع غنی و باروری رامیتوانیم به پیشگاه اهل دانش ودانش دوستان تهیه نمایم . روی این ملحوظ خواستم دربارهٔ معرفت بیشتریکی اذرخشنده ترین ستارگان خرد و دانش، فیلسوف وطیب نام آور بلخ که فیض ودرخشش آن جهان راهبره مند ساخته است، پژوهش نموده، کتابی راتحت نام (ابن سینا فرزندفرزانهٔ بلخ) به زیور چاپ آراسته وتقذیم جویندگان آن نمایم.
زیرا این دانشمند بی همتا، که پدرش ازاهل بلخ و مادرش ازدهکدهٔ افشنه مربوط بخارا بود، یکی اذدرخشنده ترین ستارگان بنی آدم است، که فیض وعظمت دانش علمی آن نه تنهاسرزمین بلخ وبخارا، خراسان بزرگ، خوارزم، خاورمیانه وخاور نزدیک راهبره مندساخت، بلکه پهنای عظمت دانش موصوف سراسرآسیا، اروپا وفراختر ازآن، جهان بشریت رااحتواکرده است.

بوعلی سینا اگرازلحاظ زادگاه، پرورش یافتهٔ دامان بخارا است، ازنظرپیوند خونی وتعلقات مسقط الرأس پدری، فرزندفرزانهٔ بلخ است، وازحیث اینکه عمری را دربلاد (عراق عجم= ایران زمین امروزی) سپری نموده وبه تألیف کتب، تعلیم وتدریس پرداخته وحتى تربت پاکش درشهرهمدان است، به ایران نیزنسبتی دارد.وازلحاظ کثرت تألیفات به زبان عربی، دانشمندومتفکر بزرگ دنیای عرب نیز تلقی شده میتواند، وبالاخره ازنقطهٔ نظراحترام وتکریم به علم وفرهنگ عمومی بشری، فرزند گرانبایهٔ جامعهٔ بشری است.

ازاین روست که انجمن علمی وفرهنگی بین المللی یونسکو، طی اجلاسی در سال ۱۹۴۹که درشهر فلورانس ایتالیا منعقدگردیده، به سپاسگزاری ازمقام علمی ویادبود آن بزرگمرد، مجالس هزارهٔ تولدی موصوف رابه جهانیان اعلام کرد، که نظربه آن درهرسر زمینی، هرملتی به وجودشریف، تفکرعالی، نبوغ بینظیر وآثا رگرانهباش مباهات کرده وازخدمات شگرفش به نوعی تجلیل وتکریم نموده، سپاسگزاری میکنند.

اینجانب منحیث مولف، یکی ازمشتاقان راه علمی موصوف، معلومات مختصری راکه ازمنابع ومراجع مختلف تحقیق وبژوهش نموده آماده طبع ساخته ام، امیدوارم عطش جویندگان راتاحدودی رفع کرده بتوانم…»

مولف وبژوهشگرمحترم انجنیرسیداکرم سنایی قسمتی ازآثارعلامه ابن سینای بلخی را چنین یادداشت کرده است :

۱- دانشنامهٔ علایی: یاحکمت علاییه، که مختصری است بسیارسودمند ازنطق و الهیات وطبیعیات وهندسه وموسیقی. این کتاب یکی ازآخرین تالیفات او است که درپایان عمرتالیف کرده است.

۲ – معراج نامه: یا رسالهٔ المعراجیه که آن رساله رانیز برای علاءالدوله کاکویه تالیف کرده است.

۳ – رسالهٔ در نبض: یا رسالهٔ فی النبض که آنرابنام عضدالدین علاءالدوله کاکویه تالیف کرده است.

۴ – رسالهٔ درمبدء ومعاد: که اصل آنراابن سینا به عربی در ری برای مجدالدوله بنام کتاب المعاد تالیف کرده است، وسپس خودابن سینا آنرا بنام علاءالدوله کاکویه به دری ترجمه کرده است.

۵ – تشریح الاعضاء یا رسالهٔ حقایق وجود: که به اونسبت داده اند که از آن شش نسخه دراستانبول موجود است.

۶ – حکمه الموت: که از آن نیز نسخهٔ دراستانبول موجوداست.

۷ – حل حکمه المشکلات: یاحل مشکلات معینه که از آن نیز دراستانبول نسخهٔ موجود است.

۸ – رسالهٔ فی ذکر اثبات المبدء والمعاد: که برای ابواحمد محمد بن ابراهیم نوشته است.

۹ – رسالهٔ تسلسل علل وسببات: یا رسالهٔ درحقیقت وکیفیت سلسله موجوداست وتسلسل اسباب مسببات که آنرا دربرخی ازفهرست هاضبط کرده اند.

۱۰ – رسالهٔ جرثقیل : یا جراثقال که نسخهٔ از آن موجوداست.

۱۱ – رسالهٔ جودیه: که از آن نیز نسخهٔ موجوداست.

۱۲ – شرح کتاب النفس الارسطو: که گویند خودابن سینا به دری نوشته است.

۱۳- ظفرنامه: مجموعهٔ اندرزه‌های منسوب به بزرگمهر پسر بختگان که وی راوزیر خسرواول انوشیروان دانسته اند، که ابن سینا برای نوح بن منصورسامانی ترجمه کرده است.

۱۴- قراضه بی الطبیعیات، که از آن چندنسخه موجوداست.

۱۵- کتاب المعاد، یا رسالهٔ المعاد که آقای شهابی از ایران بنام روان شناسی چاپ کرده است.

۱۶- کتاب کنوز المعزمین، که ترجمهٔ الیزنجات که راجع به عزایم است.

۱۷- رسالهٔ فی المبدء والمعاد الفلسفی، که تقریبامفصل بوده و بسیاری ازمباحث علم الهی وطبیعی رادربرمیگیرد. برای ابواحمد محمدبن ابراهیم به دری نوشته است.

۱۸- رسالهٔ نبوت، که نسخهٔ از آن در کتابخانهٔ ملک درتهران است.
۱۹- کتاب علم پیشین وبرینر که از آن نسخهٔ در کتابخانهٔ ملک درتهران است.

۲۰- رسالهٔ طلسمات.

۲۱- شرح رساله الطیر.

۲۲- منطق فارسی، که نسخهٔ از آن در کتابخانهٔ ملک درتهران است.
۲۳- رسالهٔ عدل شاهی، که نسخهٔ از آن در کتابخانهٔ قدس در مشهداست، وممکن است بعضی ازرسایل دری که به این سینانسبت میدهند، از اونبوده وازدیگران باشد وبه خطا به اونست داده باشند.
دردزمانهای اخیربرخی ازآثارابن سینا رادرایران به فارسی ترجمه کرده اند که بدین گونه است : (دنباله درصفحهٔ ششم)

نصیراحمد رازی

سدنی ، آسترالیا

واژه های همسو با تصوف (۱)

عباس بن عبدالمطلب : جدّ بنی عباس و عمّ محمدرسول الله (ص)(۵۱۱قبل هجرت – ف: ۵۳۲ ق/ ۶۵۳م) مردی نیکوکار واستوار اندیشه بود و برای آزادی بردگان اشتیاق وافری داشت، چنانکه هفتاد بنده را خرید و آن ها را از بردگی رهایی بخشید. سقایی حجاج و آبادی مسجدالحرام از آن وی بود. پیش از هجرت، اسلام آورد وآن را پوشیده داشت. در مکه اقامت گزید و در آن جا اخبار مشرکان را برای محمد(ص) می نوشت. سپس به مدینه مهاجرت نمود و در جنگ حنین حاضر گشت. در آخر عمر ناینبا شد و فتح مکه را مشاهده کرد. وی در مدینه درگذشت. (معین)

هامان : نام وزیر فرعون در عهد حضرت موسی (ع) بودکه برطبق روایات تورات وزیر خشایارشا معرفی شده است. به موجب آیهٔ ۳۸ سورة قصص، هامان مأمور شد برای فرعون برجی چنان بلند بسازد که فرعون از فراز آن بر خدای موسی چیره شود. چند بار نیز در ردیف گردن کشان و مستکبرین تاریخ از او یادشده است. (فرهنگ اساطیر)

زَنّار : رشتهٔ متصل به صلیب که مسیحیان به گردن خود آویزند، کمر بندی که زرتشتیان به کمر بندند.

وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر

ذکر تسبیح ملک در حلقهٔ زنار داشت

(حافظ)

شک : اگر هر دو طرف یک قضیه به طور مساوی امکان صدق داشته باشند ، آن را شک گویند، و اگر یک طرف نسبت به طرف دیگر برتری داشته باشد ، طرف راجح و برتر را ظن و طرف مرجوح و ضعیف را وهم گویند.(مفاهیم و اصطلاحات فلسفی)

شُرک : چندخدایی، اعتقاد به ربّ النوع ها. خواجه عبدالله انصاری گوید : شرک بر دو قسم است: شرک جلی و شرک خفی. شرک جلی عبادت اصنام است ، و شرک خفی ملاحظهٔ خلق به چشم اعظام . آن یکی از بهشت و درجات محروم گرداند ، و این یکی از روح مناجات. در جای دیگر گوید : شرک بر دو قسم است : شرک عام ، شرک خاص. شرک عام ، شرک اکبر است و شرک خاص، شرک اصغر. شرک اکبرآن است که کردگار عظیم و صانع قدیم را شریک و انباز گویند ویا او را نظیر و همتا دانند،

اما شرک اصغر، ربای در عمل است وترک اخلاص است در آن مومنان را، و عارفان را التفات است. (فرهنگ اصطلاحات عرفانی)

کُفر : در ادب عرفانی، ظلمت عالم تفرقه را کفرگویند. نیز گفته اند: کفر، پوشیدن وحدت در کثرت است. برخی گفته اند : کفر حقیقی، فناء عبد است. کافرآن است که مرتبهٔ صفات و اسما وافعال نگذاشته باشد.

معشوق به سامان شد، تا باد چنین بادا

کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین بادا

و بالاخره کفر، پوشیدن کونین است بر دل خود و برگشتن از طاغوت نفس. (فرهنگ اصطلاحات عرفانی)

لیلی و مجنون : لیلی معشوقهٔ معروف مجنون که در ادب فارسی مظهر کامل عشق و عشق کل و نمایندهٔ تام معشوق شاعران شده است. او دخترمهدی بن سعد یا مهد بن ربیعہ بود که مجنون بن قیس بن ملوخ عاشق او شد و در عشق او سر به بیابان نهاد و در فراق معشوقه شعر ها گفت وخاک هابرسریخت.

در ادب عرفانی فارسی، لیلی مظهر عشق ربّانی و الوهیّت است و مجنون مظهر روح ناآرام بشری، که بر اثر درد ها و رنج های جانکاه دیوانه شده و در صحرای جنون و دلدادگی سرگردان است ودر جست و جوی وصال حق به وادی عشق در افتاده و می خواهد به مقام قرب حضرت لایزال (ج) واصل شود، اما بدین مقام نمی رسد مگر آن روزی که از قفس تن رها شود…(فرهنگ اساطیر)

خلعت : جامه و زیور و سلاح که سلاطین و امرا به کسی دهند و بنا به نوشتهٔ صاحب آئندراج، کم از سه پارچه نباشد : دستار و جامه و کمر بند.

خلعت هایی که به افراد مختلف می داده اند متناسب باشغل آن هاو در کارگاه های سلاطین به گونه های متفاوت بوده است. (اصطلاحات دیوانی) ./

انجنیرعبدالصبور فروزان

زورآزمایی های روس و امریکا درعهد ظاهرشاه

شاه محمدرولی خان دروازی نخستین دپلمات برجستهٔ بودکه به امرشاه امان الله خان برای معرفی استقلال افغانستان به امریکا سفرنمود. رئیس جمهور وارن هاردنگ درابتدا تمایلی به پذیرش او نشان نداد، ولی بعد ازیکنه بادولت انگلیس مشوره کرد، دروازی را به حضور خودپذیرفت. باوجود اینکه از درایت، دانش وپختگی سیاسی شاه محمدرولی خان دروازی سخت درحیرت افتیده بود، اما برای به رسمیت شناختن استقلال افغانستان پاسخ مغشوش و مجهولی ارائه کرد. از طرز عمل رئیس هاردنگ معلوم می شودکه انگلیس ها برایش مشوره داده بودندکه نمایندهٔ شاه افغانستان را به حضور بپذیرد و برایش بگویدکه امریکا حاضرنیست استقلال کشورش را به رسمیت بشناسد. اما دانش وفهم سیاسی شاه محمدرولی خان دروازی وشخصیت کرزماتیک اوبه اندازهٔ این رئیس جمهوررا زیر تأثیرآورده بودکه سفارش انگلیس ها را فراموش کرد و در برابرمسأله به رسمیت شناختن استقلال افغانستان پاسخی دادکه نه هاں بود نه نی، این پاسخ برای افغانستان وشاه محمدرولی خان دروازی کافی بود و نشان می داد که او تحت فشارهم پیمان سیاسی خود انگلیس ها قراردارد.

مطبوعات آن وقت امریکا برای هفته ها درمورد شخصیت والا، شایستگی ودانش شاه محمدرولی خان تبصره ها داشتند وعکس های او باریئس جمهوروارن هاردنگ زینت صفحات اول روزنامه های امریکاکردیده بود. عظمت سیاسی، دانش و لیاقت شاه محمدرولی خان دروازی به اندازهٔ سیاستمداران آن وقت امریکارا زیرتأثیرآورد که کارنیلپوزانگریت Cornelius Engert یک دپلمات برجستهٔ امریکاکه درفرانسه سفیربود، بعداز دیدارشاه محمدرولی خان دروازی از امریکا، یک مسافرت غیر رسمی به افغانستان نمود. او ملاقات هایی باشاه امان الله خان، شاه محمدرولی خان دروازی وسایربرزگان کشورداشت. انگریت پس ازبرگشت به کشورش به دولت امریکا توصیه کردکه سیاستمداران افغانستان از سجایای عالی وپختگی سیاسی برخوردار اند وتامین روابط دیپلماتیک بین افغانستان و امریکایک امرضروری است. امایک کارشناس سیاسی امریکابه نام والس موریWallace Murryکانگرس را متقاعد ساخته بودکه به رسمیت شناختن افغانستان برای امریکا ضرور نیست، وافزوده بودکه « بدون شک افغانستان متخاصم ترین کشور بنیادگرا در جهان می باشد.»

روی این ملحوظ امریکا برای سال های متمادی روابط دیپلماتیک با افغانستان نداشت، سیاستمداران امریکاافغانستان را به حیث یک پارچهٔ از کرهٔ زمین تلقی می کردندکه به درد تأمین منافع امریکا در منطقه نمی خورد. اما برعکس از همکاری و حمایهٔ نظامی خود از پاکستان راضی بودند، افغانستان را به خاطرقضیهٔ پشتونستان اگردشمن نه، اما به حیث یک خارجشم می انگاشتند. بعدازگذشت سال ها وتلاش های کارنیلپوز انگیرت، امریکاحاضرشدروابط دیپلماتیک به سطح سفارت باافغانستان قایم سازدو اولین سفیر امریکا هم همین شخص درسال ۱۹۴۲ درکابل مقرر شد، اما فعالیت دیپلماتیک بین دو کشور فراتر از محوطهٔ سفارت امریکا درکابل انکشاف نکرد.

با به وجودآمدن پاکستان در۱۹۴۶ امریکابیشتربه پاکستان علاقه گرفت و جان فاستر دالس وزیرخارجهٔ آن به پاکستان هدایت داد تا شامل پیمان نظامی سنتو CENTOو سیتو SEATO شود. دالس طرفدار سرسخت پاکستان بود و در تقویهٔ نظامی آن کشور کوشش زیاد کرد. برادران دیره دونی که سیاست را بیشتر حيله و نیرنگ و کمتر علم وتجربه تلقی می کردند، تلاش های بی ثمری برای جلب توجهٔ امریکا نمودندکه مرکز ثقل آن ها بیشترتحکیم و بقای سلطنت در خانوادهٔ شان و کمتر انکشاف وطن و رفاه مردم بود. مثلا شاه محمودخان دورهٔ دموکراسی قلابی را اعلان کردتا اگرامریکا ازگوشهٔ چشمی به ایشان نگاه کند، و چنددلری در جیب های شان بیندازد ولی این تلاش او مثمرثمری نشد، و نامبرده آن دوره را با قتل عام روشنفکران، زنجیروزولانه کردن آزادی خواهان وشکنجه وآزارتوده های بی گناه مردم خاتمه بخشید.

افزون براین ها، زمامداران این خانواده که از دانش وشایستگی محروم بودند و استعداد تحلیل وارزیابی اوضاع سیاسی منطقه را نداشتند، به ایالات متحده که نسبت به افغانستان بی میل وبی علاقه بود، امتیازات یکجانبه چون تفحصات و اکتشاف نفت وگاز، آزادی برای کمپنی های امریکابرای فعالیت و سرمایه گذاری در کشوربه نفع امریکا و داشتن حق و امتیازات هوانوردی و استفاده از فضای کشور را اعطا نمودند، که هیچ نفعی برای وطن ما بار نیاوردند.

برعلاوه این برادران دیره دونی که همواره درخدمت بیگانگان بودند، برای اینکه خوش خدمتی خودرابه امریکاثابت ساخته باشند، صدهامعلم ومشاور امریکا را به پول مردم بیچاره وگرسنهٔ کشور، که خود ازیبکاری فرسوده می شدند واز گرسنگی جان میدادند، استخدام کردندکه کارمضحک ودور ازعقل انسانی بود. ایشان برای یک معلم امریکایی ماهانه پانزده هزاردلرمعاش می پرداختند درحالیکه معاش یک معلم سابقه دار وباتجربهٔ کشور کمترازی دالر دریک ماه بود.

شاه محمودخان درزمان صدارتش، عبدالمجیدزابلی رابه واشنگتن روان کردتا از دولت امریکاقرضه طلب نماید. وزارت خارجهٔ امریکا ازدادن قرضه اباً ورزید وبه زابلی گفت بهتراست ازیانک صادرات- واردات امریکاقرضه بخواهد نسبت به دولت امریکا، که این سفرحاصلی بارنیاورد وحتی خود شاه محمود درمکالمهٔ که با رئیس جمهورترومن داشت کوشش کرد تا او را متقاعد سازدکه دولت افغانستان درین فکر است که قرضهٔ امریکا برای افغانستان در شرایطی که منافع اتحادشوروی وپیش کردن همکاری برای افغانستان مطرح است، اهمیت اقتصادی و سیاسی دارد، اما ترومن به این تملق شاه محمود اعتنایی نکرد و هرنوع همکاری رابا افغانستان غیرضروری شمرد .

اتحادشوروی ازهمان ابتدا افغانستان راکشوربااهمیتی برای حصول منافع خود درجهان بخصوص برای دسترسی به آنهای گرم بچرهند می دانست، زمانی که شاه محمدرولی خان دروازی برای معرفی استقلال افغانستان به مسکورفت، دولت شوروی برعکس حکومت امریکا، پذیرایی شاندارى از او کردودر نخستین ملاقات حکومت بلشویک استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت و روزکولینیکوف را به حیث سفیر به کابل روان کرد. دولت شوروی کوشش فراوانی داشت تاشاه امان الله رابه حیث دوست وهم پیمان خودنگهدارد. در زمانی که روس ها به بخارا و خیوه حمله کردند وآن دو کشور اسلامی را اشغال نمودند، شاه امان الله خان مکتوب اعتراضیه به دولت بلشویک روس فرستاد، حکومت اتحاد جماهیر شوروی به خاطر این که شاه امان الله راآزرده ناسازد، مکتوب شماره ۱۶۵ مورخهٔ ۲۰ فبروری ۱۹۲۲را به امضای روزوکولینیکوف به دولت افغانستان فرستاد و به شاه امان الله خان اطمینان دادکه: «عساکرووس به خواست برادرانهٔ مردم بخارا و خیوه فرستاده شده و شوروی این دو کشور را مستقل می داند و هرزمانی که مردم شریف بخارا و خیوه بخواهند، یک عسکروسی هم درآنجا نخواهندماند و اگر دولت مستقل بخارا و خیوه هرگاه ازاین کمک برادرانه راضی نباشند، ما فوراً ازآنجا خارج می شویم.» !!!

بعدازمرگ ستالین، نیکولای خروشچف برنامهٔ نفوذشوروی را در کشورهای جهان سوم وپخش وگسترش طرزدید کمونیستی را در جهان سرعت بخشید ، و برای او افغانستان بااهمیت ترین کشور برای حصول این هدف جهانی شوروی بود. روی همین منظورتا می توانست همکاری های اقتصادی، سیاسی و عمرانی را سریع تر ساخت وچندین بار به افغانستان سفرکرد وهر بار که رفت سفرش چند روزطول کشید، زیرا مشکلات وضروریات دولت افغانستان را به تفصیل ارزیابی می کرد، در حالی که رئیس جمهورایزننهاور فقط یکبار و آن هم برای چند ساعت محدود از کابل دیدن کرد و چندان علاقهٔ به مشکلات دولت افغانستان نشان نداد. حتی شوروی برای اینکه نشان دهدکه به افغانستان علاقمند است، وقتی که محمدظاهرشاه درسال ۱۹۵۷ ازمسکودیدن کرد، دولت شوروی قرضهٔ پانزده ملیون دلری بدون مفاد رابرایش اعطاکرد.

در حالی که امریکا در مورد افغانستان به اندازهٔ بی تفاوت بودکه عبدالمجید زابلی وشاه محمودصدراعظم وقت را با همهٔ چاپلوس یهاو خم و چم کردن های شان نزد مقامات امریکا، دستخالی برگردانند. سردارمحمدداؤود درزمان صدارتش در سال۱۹۵۸ ازایالات متحده امریکا دیدن کرد ودرمجلس کانگرس امریکاصحبت نمود که چندان استقبالی از آن نشد، و هم ملاقاتی با رئیس جمهورآیزنهاور کرد که نتیجهٔ همهٔ این تلاش های داؤود، فقط دادن چند سکارلشپ درعرصهٔ تعلیم وتربیه بود. این زمانی است شوروی درتارو پود نظامی، اقتصادی و سیاسی افغانستان نفوذ کرده بود، وقوای مسلح افغانستان را از نگاه تجهیزات وتربیهٔ نظامیان وافسران آن در انحصار خود درآورده بود.

سردار محمدداؤوددرمسافرت به واشنگتن باسردی مقامات امریکا روبرو شد، ودرکانگرس امریکا سخنهای نیشداری گفت که سبب خرسندی مسکو شد و فاصله میان افغانستان وامریکارا عمیقتر ساخت. سردار درصحبتهایش همکاری های شوروی راتمجید کردو از دوستی آنهاخوشنود معلوم میشد. ازین مسافرت داؤود برای باز کردن عقده هایی دلش که توسط وزیرخارجهٔ امریکا دالس و

انگوس وارد Angus Wardسفیر امریکادرکابل تولیدشده بود، استفاده کرد. کانگرس امریکابرای ارزیابی نفوذ شوروی و توانمندی نظامی افغانستان در صورت بروز برخورد میان افغانستان و پاکستان بهره برداری نمود .

ریشهٔ عقده های سردارمحمد داؤود دربرابرامریکا ازآنجایی شروع شدکه دراکتوبر ۱۹۵۴ برادرخودسردارمحمدنعیم راکه وزیرخارجه اش بود به امریکا فرستادو تقاضای کمکهای نظامی از امریکا نمود. جالب این که سردارمحمد داؤود این تقاضارا برای تقویهٔ عسکری افغانستان برای مقابله برعلیه پاکستان وبرای حصول مقصودش در بارهٔ پشتونستان کرده بود ! تحلیل سیاسی سردار محمد داؤود به اندازهٔ ضعیف بود که نمی دانست که پاکستان هم پیمان ستراتژیک امریکا بود و سیاستمداران امریکا از پاکستان باتمام توان حمایه می کردند و حتی راضی نبودند که به اصطلاح خاری به پای پاکستان بخلد ! چه اینکه دشمن او را که افغانستان بود تقویه نمایند. سردار نمی دانست که سیاست زمامدار امریکا درآن وقت این بودکه «دشمن دوست من دشمن من، ودشمن دشمن من دوست من است. !»

سیاستمداران امریکا در برابر افغانستان روی سه دلیل حسن نیت نداشته، طرفدار تقویهٔ نظامی و توانمندی اقتصادی آن نبودند: یکی اینکه دولت آن وقت کابل تقاضای امریکارا برای داخل شدن به پیمان بغداد رد کرد، دوم اینکه زعمای افغانستان ازترس جان خود همیشه دهل بی طرفی و عدم انسلاک را می نواختند، سوم اینکهایشان به خصوص سردارمحمدداؤود از قضیهٔ پشتونستان دیوانه وار و بدون سنجش و تعقل پشتیبانی و پیگیری می کردند. هرسهٔ این عمل دلایلی بودند که به طبیعت سیاستمداران امریکا سازگارنبودند، واینها درمجموع سبب شدتا امریکا ازپاکستان پشتیبانی سرسخت نماید و برای تقویهٔ نظامی و اقتصادی آن کشور از هیچ نوع همکاری دریغ ننمایند، و در برابرافغانستان قرار گیرند. لذا فرستادن سردارمحمدنعیم برای اخذکمکهای نظامی به امریکاهیچ نتیجه نداد.

از جانبی سردارمحمدنعیم چیزی بجزر از زورگویی و خودخواهی یاد نداشت و طبیعت ظالمانهٔ مللو از تبختر وکبر داشت که نه تنها وزیرخارجهٔ امریکا جان فاستردالس را برای حضورهمکاری های نظامی متقاعد ساخته نتوانست، بلکه برخورد اوسبب آشفتگی وزیرخارجهٔ امریکا گردید، که از طرز ارائه پاسخش در برابر تقاضای افغانستان فهمیده میشود. جالب این است که دالس از سردار نعیم خان پرسیدکه اسلحه و مهمات نظامی را به خاطر چه ضرورت دارید ؟ سردارنعیم گفت که به خاطرجلوگیری از حملهٔ شوروی ضرورت داریم. در حالی که وزیر خارجةٔ امریکا می دانست که افغانستان توان مقابله باشوروی را ندارد، بلکه سلاح و مهمات نظامی را برای برخورد باپاکستان می خواهد ! لذا به جواب سردار نعیم گفت : بعد از ملاحظهٔ دقیق باید گفت که همکاری وسیع نظامی برای افغانستان سبب ایجاد مشکلات زیادمی شود و توانمندی یکجانبهٔ نظامی راتولید می کند. افغانستان به عوض اینکه تقاضای سلاح ومهمات می نماید، بهتراست تامنازعات خودرا درمورد قضیهٔ پشتونستان باپاکستان حل وفصل نماید.

وزیرخارجةٔ امریکابرای این که به سردارنعیم خان نشان دهدکه اوبرای دریافت کمک به آدرس غلط آمده، وهم حسن نیت خودرا برای زعمای پاکستان نشان دهد، تقاضانامهٔ افغانستان را همراه با جریان صحبت هایش باسردارنعیم و پاسخ دولت امریکابه آن تقاضای افغانستان را مستقیما به دولت پاکستان مخابره کرد. این عمل دالس با وجود اینکه از نگاه قوانین دیپلماتیک یک تخطی صریح بود، و آنچه که میان او و سردارنعیم بحث شده بود، بحیث اسناد محرم سیاسی شناخته می شدند، و نباید آنها با دولت سومی و آن هم پاکستان که در مورد افغانستان موقف خصمانه داشت، شریک می شد. حتی سیاستمداران امریکا نیز درحیرت افتیدندکه چرا وزیرخارجه این کارخلاف پرنسیب های دیپلماتیک کرد، اما از فحوائ مطالب دانسته می شودکه سردارنعیم خان باطبیعت متکبرانه وخودخواهانهٔ که داشت، دالس رابه اندازهٔ آشفته ساخته بودکه اوبدون درنظرداشت محرمیت های سیاسی ودیپلماتیک، پاکستان راازنیت افغانستان نه تنهااطلاع دادبلکه سندی دال برآن به پاکستان دادکه سیلی محکمی بروی سردارنعیم و سردار داؤودبود.

وقتی سردارنعیم ازامریکابرجشت وجریان ملاقات ویمیلیی های مقامات امریکا به سردارداؤود حکایه کرد، بخصوص زمانیکه این مطلب درمطبوعات پاکستان افشاشوداؤودرادرنظارجهانی شخص حيله گر وماجراجومعرفی کرد، اوسخت عصبی شدوچون عقل و فراستی نداشت، ازجنون ودیوانگی استفاده کردواین سردارلیونی، لیونیترشدوفورآسفیرشوروی رابحضورخودخواست (صفحهٔ ششم)

خاطراتی از آخرین پادشاه (دنباله ازصفحهٔ دوم)

پیدا کدین؟ گفتند: کاکاجان اوطرف ترازوی سنگ هازباد اس ! رفتم و اولین پارچه سنگی که توجه مرا جلب کرد نشان میداد که قطعهٔ از سرستون های یک قصرویایک تالاراست، همهٔ ساحه راگشتم وبا جوبدست دور تمام این ساحهٔ وسیع راخط کشیدم. در این وقت بود که والی و دیگرمسئولین رسیدند. به والی گفتم که صاحبان این زمین ها را امروز پیش من حاضرسازید. آمدند واز آنان پرسیدم که حاضرند دربدل زمین های اطراف این ساحه، برای شان در نزدیکی شهرطالقان زمین داده شود؟ باخوشحالی قبول کردند. در بازگشت به کابل مسیو فوزه را از فرانسه خواستم تا کار کاوش ها را در ساحه به همراهی باستان شناسان خود ما آغاز کند .

پادشاه سابق چنان بااشتیاق ازین ساحه صحبت میکرد که من جرئت نکردم که بگویم آن ساحه به تاراج رفته وحتی ستونهای مرمرین آن رادزدیده ودر عمارات شخصی خود بکاربرده اند! چرا که باشنیدن انهدام مجسمه های بامیان چنان وضع صحی اش در روم برهم خورده بود که کارش به شفاخانه وبستری شدن کشید، واگراز آنچه برساحهٔ آی خانم گذشت به اوبگویم، حالت وخیمتری به اودست خواهد داد.

خدا بیامرزقهرمان ملی افغانستان احمدشاه مسعود را که در دوران مقاومت دو بار دربارهٔ آی خانم بامن حین سفرم به فرخاریادکرد وگفت خدایخواهد که کار افغانستان درست شود، آن گاه من کسانی را که آی خانم رابه این روز انداختند، به محاکمه می کشانم، آنها باید اعدام شوند ونام دونفرراگرفت. پادشاه دربارهٔ هدهٔ جلال آبادهم خیرنداشت که چگونه نابودش کردند. او شخصاً درحفریات آن با باستانشناسان سهم گرفته بود. یکی دوباریادکرد و من سکوت کردم .

یک روزعصربا آقای کرزى، مرحوم مارشال فهیم وداکترعبدالله میرفتم خدمت پادشاه، درراه زبینهٔ حرمسرا سرداریوسف نواسهٔ مرحوم سرداراسدالله خان رادیدم که پایین می آید، باوا ایستادم و سلام وعلیکی کردم. اوهروقت که نزدپادشاه میرفت، شاه پس از چنددقیقه مرخصش میکرد.

قصه کرد که امروز رفتم پیش حضور اعلیحضرت وپس ازچنددقیقه برای آنکه مزاحم نشوم برخاستم تا اجازهٔ مرخصی بگیرم. پادشاه گفت: بفرمایید بنشینید. تعجب کردم، باراول بود که حضوراعلیحضرت به من گفتند بنشینید. درهمین لحظه موظف تشریفات واردشد وگفت: حضور، سفیر پاکستان که قبلاً وقت گرفته آمده است. سفیر آمد وپادشاه بادست او را اشاره کرد که در سیت پیشروی من بنشیند. پس ازحدودپانزده دقیقه صحبت و صرف یک پیاله جای سبز اجازهٔ رخصت شدن گرفت ورفت. به مجردرفتن اوشاه مراهم رخصت کرد، دستش رابوسیدم وبطرف دروازهٔ خروجی براه افتادم .

دفعهٔاُ یادم آمدوبرگشتم وگفتم حضور اعلیحضرت کاری داشتین که امرکردین که بنشینم؟ حضورگفتند: نخیر کارخاصی نداشتم فقط میخواستم سفیرمذکورفکر کند که یک نفرپشت سراو ازامنیت یاستخبارات نشسته، وگرنه شروع میکردبه شکایت وبدگویی از هندوستان، که تأیید یا ردسخنانش هردو برای من مشکل می شد، تراکه پشت سرخود احساس کرد چیزی نگفت، حالامی توانید بروید !

این بود دوسه خاطره ازشاه سابق افغانستان که تقدیم شد. خاطرات بیشتری از آن مرحوم مغفور دارم که اگرمجالی بود، درآینده تقدیم دوستان خواهدشد. /

معرفی نثرات (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

۱- مایهٔ دانش علایی مشهوربه حکمه العالایی،

۲- ترجمهٔ کتاب اشارات،

۳- فن سماع طبیعی از کتاب شفاء،

۴- فنون سماع طبیعی وآسمان وجهان وکون وفساد از کتاب شفاء،

۵- شرح حق البقینی، شفای بو علی سینا وشرح مثنوی مولوی،
۶- رسالهٔ عشق، تالیف شیخ رئیس حجه الحق ابوعلی حسین ین سینا،

۷- روان شناسی، یاعلم النفس شفاء،

۸- معراج نامه، و چندین اثرممتاز دیگر.

معرفی مختصر کتاب ارزشمند (فرزند فرزانهٔ بلخ) تالیف آقای عزیز انجنیر سید اکرم سینایی رابه آرزوی موفقیتهای بیشترش درین راستای روشنگرتاریخی، با ذکرقطعه شعرخودش به پایان می رسانم:

ژاژخایی ها
برگرفته ازنشریهٔ ویژهٔ خدمتگاران

بیچاره مخکش !!!

مخکش مظلوم رابه جرم نوشتن وارسال نامهٔ آنچنانی به داروغه سپردند تابه مقامات عدلی سپرده شودوبه دست نسقچیان به مجازان شدید برسد(البته به خفیف هم نرسید!) مامردم عامی ورعیت گمشده درگمنامی نفهمیدیم که گناه او چیست؟ ازقدیم گفته اند که مامور معذور! پس چه کبیرهٔ از او سرزده و کدام سرعصبیان ازگریبان طغیان بدر آورد که باید به مجازات، آنهم اشد مجازات برسد.

دراین باب هرقدر بای تحیر به دامان تفکر کشیدیم وعقل ناقص ما(به جندر ارتباط ندارد!) و درک ناقصتر ما در ماند. ازسرناجاری و بیچارگی به دیوان حافظ روی آوردیم که ای لسان الغیب! دست ماگمشدگان وادی بی خبری و ناینبایان دشت بی بصری وتشنگان بیابان بی ثمری را بگیر و با همان زبان شیرینت صاف وپوست کنده نه با کنایه و استعاره و از این چیزها ! به ما بگو که گناه این بندهٔ کمینه اعنی شاعلی مخکش چیست که باید به اشد مجازات ازلت وکوب و کفپایی تا قین وفانه و زنجیرو زولانه وحبس ابد با اعمال شاقه پیش از به دار زدن وحبس ابد بااعمال شاقه پس ازبه دارزدن ! محکوم شود. دیوان شعر آن مردخدارا باز کردیم باعجز ونیاز بی پایان که بگو ای حافظ بزرگ جرم این مخکش بیچاره چیست؟ که بااینهمه عقوبت برسر دار برود. حافظ با صراحت تام گفت:

آن یار کزو گشت سر دار بلند

جرمش آن بود که اسرار هویدا می کرد !

بازدل ناصبور ماطاقت نیاورد ومثل بیماران امروزی که ازدوطیب درمان درد میجویند، خواستیم آستان مولانای بلخ رادرقونیه ببوسیم وحل این معما را از او بجویم. ویزای آن دیار با پول کم میسرنشد، از دور برترتیش بوسه زدیم و عرض حال کردیم که ای آزادمردی که درزمین وآسمان نمی گنجیدی و ما زندانی ولسوالی بلخت کرده ایم و ترکان محصورشهرقونیه ات کرده اند و ایرانی ها که نه بلخ دارند ونه قونیه! درلابلای تاریخ موهومت به زنجیر کشیده اند، سرّ حکایت این مخکش ستم کشیده به مابازگوی ای دانای راز که آیا معصیتی که جبین دل وانصاف راخراشیده واین بانگ شوم تبعیض رابراُورده به حق کاراوست؟ مولانای بزرگ با همه شجاعتش دوروبرش رابادقت نگاه کرد تا کسی ازسخن چنانا دراطراف نباشد، آنگاه نه با بانگ نی، بلکه بانجوا و پُس پُس در گوش ماگفت :

این همه آوازاها از شه بُود

مثنوی رابستیم، بربازی های روزگارخندیدیم ویحال خودواین ملت نگوَن بخت گریستم ! /

در معرفت ابن سینا

ای بوعلی فرشتهٔ تابان آدمی
ای عقل وهوش ودانش بیسان آدمی
فهم توبوده راهگشای جهان علم
ای آفتاب فیض درخشان آدمی
درطب نبود همچو تو استادی نظیر
ازبس که تو معالج شاهان آدمی
درحکمت ودرفلسفه هم نیست درجهان
کی دهر یابد همچو توانسان آدمی
هم شعروهم ادب زتوموزون گشته است
موراشگافنه ای طلسمان آدمی
ای آنکه درعلوم تونوشته یی کتاب
حیران شدم به قدرت جولان آدمی
دربرخ ودرعذاب نمودی سرفره دهر
ازدست زور وجبرحریمان آدمی
هرچند که اتهام به توچون کفر کرده اند
آری بودزیون همه دونان آدمی
زندان فگندنت که توچون عاصی زمان
بنگربه این اهانت عربان آدمی
بلخ-افشنه کجاست که آرد تراه دهر
ای جسم وروح وپیکرفرزان آدمی
حفظ است درجهان مقام وجلال تو
ای گوهر برفته زبوستان آدمی
این افتخار را که نمودی تو اکساب
تبریک برکرامت تابان آدمی
ازمن درود بادروانت بودچوشمع
دایم گداخته به دبستان آدمی
(سینایی) نه وصف ترامی کندهمیش
صدها هزارخلایق دوران آدمی

زور آزمایی های روس... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

وبرایش گفت آن تقاضایی را که اتحادشوری برای همکاریهای نظامی برای افغانستان قبالا کرده بود، مابا دل وجان حاضریم که آنرا قبول نماییم وبرای دولت متبوعهٔ تان بگوئید که افغانستان ازهمین روز دوست ویار وهمکار اتحاد جماهیرشوری است! این سخنان سبب تعجب سفیر گردید که چطور شد مازحمات زیاد کشیدیم تابه این مطلب برسیم، ولی امروز صیدبه پای خود به دام می آید! لذا فوراً این رضایتندی وحسن نیت سردار داؤود را به مسکواطلاع داد.

مسکو برای اینکه این معامله راشکل قانونی بدهد، برای سردارمحمد داؤود توصیه کرد تا لویه جرگه رادایرسازد وبه اصطلاح توافق مردم افغانستان را بگیرد که درآینده نه برای خودش ونه برای شوروی

دردسری تولیدشود، وهم به جهانیان تفهیم شود که این تقاضای مردم افغانستان است، نه تقاضای شخصی سردارمحمد داؤود ! به اصطلاح سردار خواست از زیریریش مردم افغانستان خرسوار تیرشود !

سردار داؤود مشورهٔ کرملین پسندآمد ودرطرف کمترازیک ماه لویه جرگه راتأسیس کرد وجندن ازخوانین خواب برده ولنگی وشمله دار رالز کنج وکنار کشور، بیشتر ازمناطق جنوبی گردآورده وذریعهٔ موتر وطیاره به کابل انتقال داده شدند، پلو وچلو پخته شد، پاکتهای مملو ازپول تهیه گردید، و این اشخاص که ازواضاع و کشمکشهای جهانی هیچ اطلاعی نداشتندوحتی در قسمت اعظم جلسات پینکی میزدند ومعنی مطالبی که درجلسات بیان می گردید، نمی دانستند، اما فیصله کردند که سلاح ومهمات نظامی ازشوروی گرفته شودوبرای شوروی اجازه داده شود تاسازوبرگ نظامی افغانستان را ترتیب وتنظیم نماید. بدین ترتیب سردار محمدداؤود که بصیرت سیاسی کافی نداشت، غرور وخودخواهی وجاه طلبیش بالایش بیشترغلبه کرد وبعض اینکه ازبصیرت وتدبیر که خاصهٔ اونبود، کار بگیرد، ازدیوانگی وجنون کار گرفت وافغانستان راچون لقمهٔ تیاربه دهن اتحاد شوروی انداخت تاآنها ببلعد.

در مسکو این تصمیم جنون آمیز سردارمحمدداؤود چنان هیاهوی را به وجود آورده بود که سیاستمداران روسی به افتخارآن محافل خوشی و ودکانوشی بر پا کردند وآن را بزرگترین پیروزی برای اتحاد شوروی شمردند که مفت و رایگان بدون کار وزحمت بدست آمده بود. این تصمیم سردار بدی مامورین کاخ کرملین رابه حیرت انداخت که باور نمی کردند چنین چیزی واقع شده باشد! همهٔ آنان سخت به وجدآمده بودندو فقط یک ماه بعد نیکولای خروشچف و بولگانین هردو به کابل مسافرت کردند تا حقیقت را خود به چشم سربینند.

این سفر باپذیرایی شاننداری ازطرف سردارمحمدداؤود همراه بود، ولی اوجهت نشان دادن اخلاصش بااین دورهبرروسی، هزاران تن مامورین، معلمان و متعلمان مکاتب وحتی اطفال رابرای بدرقهٔ آنان به جاده هاکشیده بود وآن جمعیت شکم گرسنه وپریشان مجبور بودند تابیرقهای اتحادشوروی وعکسهای خروشچف بولگانین را برشانه های شان حمل کنند وازهرسرک و جادهٔ که آن دورهبر روس منحوس عبورمی کردند، جمعیت باید هللهل و شور وشعف می کردند، که همه ازروی مجبوریت بود، وضبط احوالات سردارداؤود آنرا نظاره میکردوآن هاییکه شور وشعف نشان نمیدادند، آنها را گوشه می کردند و مجازات می شدند ! درارگ شاهی وقصرصدارت وقصرچهلستون وسایرتاسیسات دولتی دعوت ها ترتیب می شد و روبوسی ها و بغل کشی های حق و ناحق بین رهبران شوروی، سردارداؤود وسردارنعیم و نزدیکان شان جریان داشت !

در همین زمان سردار محمدداؤود که زور و قدرت روس هارا در پشت خود دید، بالای پاکستان درمورد قضیهٔ پشتونستان فشار بیشتر انداخت واین فشار به حدی رسید که هردو کشور نزدیک به مقابلهٔ نظامی و جنگی شدند، وخروشچف برای سردار داؤود چراغ سبز داد و پشتیبانی همه جانبۀ نظامی خودرابرایش اعلان کرد، وکوشش نمود تا اگر این برخورد نظامی آغاز گرددکه هم به نفع شوروی و هم به نفع افغانستان بود. اما سردار به همان اندازهٔ که خودخواه بود، به همان اندازه بزدل هم بود و از ترس اینکه سلطنت از خانوادهٔ او مبادا از دست برود، برای درگیری این جنگ سستی کرد، که یکی از اشتباهات بزرگ او بود. زیرا آن زمان مسایل به نفع افغانستان می چرخید وشوروی آمادهٔ شمولیت درین درگیری بود، اگر داؤود عقب نشینی نمی کرد و جنگ آغاز می شد، پاکستان که دشمن افغانستان بود و حالا هم هست و در آینده هم دشمن افغانستان باقی خواهد ماند، تضعیف و تجزیه می شد، خط دیورند نابودمی شد وافغانستان به بحر راه می یافت و شوروی هم به آبهای گرم دسترس می یافت.

اما ایالات متحده که درآن زمان از نگاه تفوق نظامی به مقایسهٔ شوروی ضعیف بود، درک کرد که اگر این جنگ درگیرد، پاکستان که هم پیمان ستراتژیکش شمرده می شد از بین رفته شوروی وافغانستان برندهٔ آن خواهد شدند. لذا تلاش های زیاد کرد تا ازین برخورد جلوگیری نماید.

به رئیس جمهور پاکستان هدایت تا شخصا به کابل برود، و بر شاه ایران و رهبر ترکیه فشار آورد که به هر قیمتی که میشود جلو آغاز این جنگ رابگیرند. ضعف نظامی امریکا به مقایسهٔ شوروی را می توان از گفته های سر قوماندان امریکا و شورای امنیت ملی آن درک کرد که بعد از مطالعات سری درسال ۱۹۵۳به کانگرس امریکاگفتند : (دنباله درصفحهٔ هفتم)

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ انرااز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

بهتر است غنی احمدزی استعفا کند (دنباله ازصفحهٔ اول)

همچنین، نظربه معلومات غلطی که ارائه نموده، مجازات هم خواهد شد.
بطرفداری دوست خود که تصدی امورکمپنی ملی تلفون رابعهده داشت، دایرکتر وزارت مخابرات را که ریفورم (براد باند) راسر دست گرفته بودبرطرف نموده بعوض کسی رامقرر کردکه می توانست رفیقش رادرکمپنی تلفون کمک کند.همچنین خانم صدراعظم، نظربه استفاده ازپول بیت المال برای آشپزشخصی در گردهمآئی های فامیلی، خرید فرش و زیبا ساختن خانهٔ شخصی، و مصرف مراقبت پدرش از خزینهٔ بیت المال تحت تحقیق است.

جناب رئیس جمهوراحمدزی ، این مثال هایست که برای بیدار ساختن شما از لابلای رسانه ها و اخبار تهیه شده است. دردنیای دموکراسی حقیقی، گذشته ازینکه یک لیدر، سیاستمدار و یا ماموردولت بوطن چه خدماتی انجام داده اند و چقدرمفید و حتی هیروئیسم نشان داده اند وقتیکه قانون را نادیده میگیرند وازمقام دولتی خود که برای خدمت به مردم است سوء استفاده مینمایند، اقربا، دوستان و قبیله داران خود رابعوض افراد مستعد وکارکن، که بیوسله اند بوظیفه مقرر میکنند، خواهی یانخواهی عاقبت ایشان بدست پلیس صادق و قضاتیکه عادل وانساندوست ومتعهد به سوگندهای خود اند ، محول میگردد.

رابرت موگابی، به اتهام قتل هزاران نفر بیگناه، نشنلستی افریقائی، فساد دزدی مافیائی سرتاسری، تبعیض نژادی به سفیدپوستان، غضب زمینهای زراعتی سفیدپوستان وضربه در تولیدات زراعتی مملکت که منتج به تووید غذا باپول هنگفت ازخارج شد، خرابی اقتصادمملکت و انفلیشن فوق العاده، بیکاری جوانان، مجازات فریبنده و بالاآخره رول خانمش درسِیاست و امکان کاندیدی اش بعوض شوهر که بادپلوم جعلی لقب داکتری داده شده بود، آرزویی بود که یخاک برابرشد، مردم به ستوه آمدند! ودنیای خارج هم مطلع گشت که در ظرف ۳۷ سال بوطنش خدمتی نکرده است بر او فشار آوردند تا استعفا نمود.

جناب رئیس جمهورغنی! قصهٔ شماکمتر ازرابرت موگابی نیست. او اگر بیست هزارنفر بیگناه رابعرض شخصی وتحکیم قدرت خود در ظرف سی وهفت سال زمامداری اش بقتل رسانید، شماهم مسؤول قتل هزاران نفر توسط دوستان طالبی وداعشی تان هستید، شما یک کوچی پشتون نشنلست هستید که حتی می خواهیدپیراهن وتبانی هندوستانی ودستار زردگون (بودائی) کوچی راسمبول ملی افغانستانیاعرفی کنید، فسادمافیائی در ارگ از هر کنج و کناربالاست بایک فرق که فساد زیمبابوی مملکت رادرقطارده ممالک فاسد درسال ۲۰۱۷ قرارنداد، اماافغانستان از برکت پالیسیهای نادرست و بیکفایتی شماچهارمین مملکت فاسد دنیا ثبت تاریخ شده است، تبعیض نژادی تان بمقابل غیرپشتون ها خاصتاً ازبیک و تاجیک وهزاره با تذکره الکترونیک جمهوری اسلامی افغانستان وعلاوه کردن (افغان) کم از تبعیض نژادی موگابی نیست. غضب زمینهای مردم شمال وهزاره از طرف کوچیها وپشتونها و دادن آن به گلبدین وبه دیگرخویشاوندان تان درسرتاسرجهان سرآمد زبانها افتاده است، جوانان ما ازبیکاری به ممالک بیگانه پناه مگیرند وبه شکایات شان اهیتی قایل نیستید، مجازات زورمندان وطالبا و داعش تنها در روی کاغذ است وبس. خانم شما (جهود وُکرسچن) اگر(گرسی کوچی) نیست بی بی گل است. اگر شما تا حال دپلوم PhD به آونداده اید؛ ولی برایش چوکی درصدمعاملات دولتی که قطعاًحق ندارد، موسسهٔ کانسر، کمکهای مادی به برادرش وهم چرچی برایش در ارگ سربراه ساخته اید. بناء، شما هم مستحق استعفا هستید و باید همین اکنون درباره اش فکر کنید قبل ازینکه فشارملی و بین المللی دوبالا شود.

ذوافقارعلی بُهتو، فقط بامرگ یکنفر محکوم به اعدام شد. دست شما! درقتل جوانان هزارهٔ ما درگردهمآئی مدنی جنبش روستائی در دهمزنگ، مراسم جنازهٔ اسلامی فرزندمعاون سناکه همه غیرپشتونها در آنجا حصه گرفته بودند، درکشتارها و تجاوزات طالبان در قندز.... دخیل شمرده شده است.. که باید از طرف یک محاکمهٔ عالی مقتدر، ایماندار، صادق، وطندوست و پیرو قانون تحقیق با ابراز نتیجه صورت گیرد.

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 26, Issue No. 1043 , FERUARY 25, 2018, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

صدراعظم اسرائیل خدمانی که برای مملکت ومردم اسرائیل از دل و جان اجرا کرده در دنیا مانند ندارد، از یکسو وقتیکه مورد اشتباه قرار میگیرد بابلیس همکاری میکند وازجانب دیگربرای سوال و جواب به محاکمه حاضر میشود. آیاشماآمادهٔ این نوع سوال وجواب درمحاکم عدلی هستید؟چون دفاتر ارگ بدست افغانهایا پشتونهای تان است اکثربدکاریهاراماخبرنمیشویم و اگررسانهٔ به یک موضوع حساس شما راپورتهیه میکندویانزدیک به افشاگری میشود،مستقیم یاغیرمستقیم مجازات ولت وکوب میشوند. شما خودتان اگر رشوت نگرفته اید مامورین دولت تان رشوه ستان اند، آنها برای اجرای یک کار معمول به ده دروازه و دفترمردم بیچارهٔ که رشوت نمیده،د، سرگردان میسازند. بی بی، اگربریک روزنامه فشارآورد شماهر روز بمردم مخصوصاً بر ۱۶۲نفر فشارآوردید که از وظیفه مقدس عسکری برکنار شوند (ممکن بعضی شان مستحق تقاعد بوده باشد اما تقاعد یک جنرال ۴۹ سال غیرپشتون توسط یک جنرال ۶۸ ساله پشتون، ۲۶ جنرال پنجشیری، تبعیض واضح نژادی و سن است، که قابل مجازات شدید قانونی دردنیای دموکراسی و معتقدین آنست)، چیف دفتر صدراعظم رشوه گرفت محبوس شد ولی شما اگردر ارگ شما چنین حادثهٔ رخ دهد بر همه امرمیکنید وفشار میآورید تا موضوع را رسمی نسازند، تقلبکاران انتخابات که با همه ثبوت گرفتار شدند چه نوع جزا دیدند؟ خانم وی که از پول بیت المال سوء استفاده نموده مورد تحقیق قرار گرفته است. شما همه زمینه های سوء استفاده را برای خانم تان مهیا ساخته اید.

درین قسمت قصهٔ از یونانیان قدیم بخاطرم گذشت، بدنیت اگر باشما در میان بگذارد:در دیالوگ Gorgiasاصلاً دیالوگ سقراط است که افلاطون حوالی ۳۸۰ قبل از میلاد نوشته مکالمهٔ ایست که سقراط بایک گروپ خُردسوفسطهاهنگام صرف طعام شب صورت گرفته است (انترنت) کالیکلس Caliclesیکی ازفراذبرجستهٔ سوفسط هاست وبعضیا فکر میکنندکه کرکتری ایست که افلاطون به مقصد این دیالوگ خلق کرده؛ بایک سخنرانی طویل درمقابل گفتارسقراط دربارهٔ عدالت شامل بحث گردیده میگوید: دو نوع عدالت وجود دارد؛ عدالت از طریق قانون و عدالت توسط طبیعت. مقصداو در این دیالوگ طویل اینست که قانون طبیعت اعلی ها راخلق کرده است. اینهاقویانند وبهتراندندوامور شهرداری راهم بهترتر ازدیگران میدانند و عاقلان نیزاند.پس طبیعتا حق دارند که زمین غصب کنند وخواستهای خودراتاهر حدیکه قناعت شان حاصل شده میتواند بدست بیاورند. متأسفانه دیگران را بنظر(تودهٔ ضعیفان که بسیاراند)مینگردند و معتقد اند که آنها از ترس این اشراف عدالت از طریق قانون میخوانند.

ارتباط این قصه درموضوع بحث ما ازاین قرارست که این دیالوگ پنج قرن قبل ازمیلاد مسیح یا بعبارهٔ دیگرافضا به از دوهزارو پنجصد سال پیش به اساس بیعدالتی گروه تبعیض کنندگان وقت سقراط رامجبوربه نوشتن دیالوگ ساخت وافلاطون نظربه اهمیتش آنرا تعمیم بخشید. در تحت قیادت شماهنوزهم طبقهٔ به ذهن خودتان قوی، زورمندوعاقل که افغان(پشتون)است حق طبیعتی تان می داندیکه برای ۲۵۰ سال دیگرهم آنچه ارزوداریدبه آخرین حداشتیاق تان بقتل برسانید، دارائی وزمین مردم راتحت نامهای مختلف غصب کنید، رسم ورواج عنعنوی افغانی یاپشونوالی تانرابرغیرپشتونها جبراً تحمیل کنید وحتی هویت شانرا پایمال نموده همه را افغان بتراشید.

درافغانستان، علیانگری پشتونها، تقریباً از سه قرن به اینطرف بر (ضعفای کثیر) دوام دارد. زیرافکر میکنندچون از نسل یهود و نوادهٔ خرشبون و شرخبون عبرانی اند باید علیا باشند. قصهٔ (اوریا) سرباز اردوی حضرت داود پیامبر(ع) پادشاه وحدت سلطنت اسرائیل وجودا (که حکومت وحدت ملی از آن نشأت کرد) که درجنگ ویابه امر داوود پیامبر کشته میشود، بعد خانم زیبایش را به نکاح در آورده حضرت سلیمان از او تولدمیشود(انترنت) این ادعای مارا تأیید میکند زیرایکتعداد از پشتونهای عزیزما خودرا ((اوریا ویا اوریاخل میدانند. ولی شما که متفکردوم جهان لقب داریدبه یقین از دیالوگ مکمل (گورجیاس) خبردارید وچنین معلوم میشود که هنوز شما درهمان هوای اعلیحضرتی بیست و پنج قرن قبل قدم زنان روان هستید نه در تمدن و بیداری و همه یکسانی قرن بیست ویک.

مردم از شما ناراضی اند، مظاهرات در داخل و خارج مرز به ضد دولتداری شما در جریان است، والیان یکی بعد دیگر از اطاعت شما سر میکشند. قسمیکه فشار بیدمادی ومعنوی اعلیحضرتها در

خاطرات استادان وشاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود تر شرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه دسمبر ۲۰۱۷ ارسال دارند.
تلفون ۰۰۹۶-۴۳۵-۵۷۱
mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192 U. S. A.

گزارش محفل گشایش رسمی

حزب خدمتگار مردم افغانستان

حزب خدمتگار مردم افغانستان که متشکل ازاستادان دانشگاهها، روشنفکران، فرهنگیان ونخبگان کشور میباشد، بعد از تلاشهای مقدماتی سرانجام جواز فعالیت خویش را ازوزارت عدلیه بدست آورد، وبابرگزاری مراسم باشکوه رسماً گشایش یافت. این مراسم که بتاریخ ۲۱ جدی ۱۳۹۶در تالار آسمایی شهر کابل تدویر یافت، بااستقبال گرم شهروندان کابل مواجه گردید و در آن بیش ازسه هزارنفر اعضا وهواداران حزب حضور بهم رسانیدند.

محفل باتلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط دوشیزه نیلوفر آغاز شد، بعد محترم سیدرحیم هاشمی رئیس کمیتهٔ سیاسی حزب، در رابطه به تاریخچهٔ آن صحبت کرد وافزود وخوشبختانه امروز شاهد محفل باشکوه گشایش رسمی» حزب خدمتگار مردم افغانستان «هستیم. این حزب در عرصهٔ سیاست داخلی بنابر اصول دموکراسی، خواهان نظام پارلمانی متکی بر ارادهٔ مردم بوده وباتمرکز قدرت که ازویژه گیهای نظامهای استبدادی میباشد، جداً مخالف است. مامتعهد به تفکیک قوای ثلاثه بوده وخوahan آتیم که مردم برسرنوشت خویش حاکم باشند ودر تمام سطوح، کارگزاران شانرا انتخاب نمایند. ما از طرح توزیع قدرت به مردم مانندانتخابی بودن والیها، ولسوالها وشهردارها، که از اصول دموکراسی میباشد، حمایت میکنیم.تعامل سازنده باجهان بخصوص باهمسایگان، باتوجه به منافع ملی کشور بر مبنای مصلحت وحفظ موازنه از جملهٔ اهداف اصلی واساسی حزب خدمتگار مردم افغانستان میباشد. پیکاردربرابر تروریسم وافراط گرایی درسرلوحهٔ سیاست خارجی ماقرار دارد....

بعد از وی، محترم داکتر سیدمخدوم رهین مؤسس ورهبر حزب خدمتگار مردم افغانستان باعرض خیر مقدم وخوش آمدید، به مهمانان گفت: یکسال قبل در جمع ۱۶۰ تن استادان دانشگاه، موضوع ضرورت ایجاد یک حزب سیاسی ملی وفرایگیر رامطرح نموده وبه اتفاق آراء به این فیصله رسیدیم که بخاطر نیاز مردم به عدالت وخدمات صادقانه، حزبی راتحت عنوان»حزب خدمتگار مردم افغانستان «اساس گزارییم... موصوف افزود: برخلاف برداشت وتبلیغات بعضی از تحلیلگران، این حزب برخاسته از متن مردم بوده، هیچ نوع وابستگی با جناح های سیاسی حاکم یاشریک در حاکمیت نداشته واز هر لحاظ مستقل است.

پس از آن محترمه هیلی نیکزاد معاون حزب وبعداستادعلوی عضوشورای مرکزی حزب وپس از وی خانم راضیه نورستانی معاون حزب صحبت کردند. خانم نورستانی گفت: باتوجه به دید تحقیرآمیز جامعه نسبت به زن ونادیده انگاشتن توانایی های زن، یک نوع مأیوسیت برایم دست داده بود، اما زمانی که باعضای رهبری حزب خدمتگار مردم افغانستان آشناشدم، یأس ونگرانی ام به امید تبدیل گردید وجامعهٔ ایدآل مملواز عدل ودادوتسوی حقوق زن ومرد رادر چشم انداز آینده مشاهده کردم...

استاد امیدافغان سخنران بعدی بود که اظهار داشت: امروز افغانستان به یک حزب سیاسی فراگیر ملی نیاز دارد که بادیدنو، بحران جاری درکشور را مورد ارزیابی قراردهد. بدنبال وی، دوشیزه نرگس وعبدالغنی به نمایندگی از جوانان حزب، و زهره نوایی به نمایندگی از زنان حزب خدمتگار مردم افغانستان صحبت نمودند ومراسم بادعاییهٔ توسط مولوی زکریا بارکزی عضوشورای مرکزی حزب پایان یافت. /

یونان قدیم، سوفسطائی و سپارتا کوس، خلق کرد شما هم عدالتخواهان و مساوات طلبان که همه سهم مساوی تقاضا دارند، خلق کرده اید. بیش ازین تحمل امکان ندارد! لطفا استعفا کنید، «برای خیر و صلاح مردم افغانستان وضرورت به انتقال صلح آمیز قدرت، به حیث رئیس جمهور افغانستان، استعفا بدهید».. فقط همین اکنون استعفای خودرا بسمع جهانیان برسانید و اعلان کنید. والسلام

من آنچه شرط بلاغ است باتو میگویم

تو خواه از سخم پند گیر خواه ملال